

اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در قوانین کیفری ایران

جواد طهماسبی *

چکیده

مبنای پذیرش «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده»، «حمایت از اتباع بزه‌دیده» است که بر پایه آن، دادگاه‌های کشور متبوع بزه‌دیده تحت شرایطی صلاحیت رسیدگی می‌یابند. اصل مزبور در حقوق ایران، جز در برخی موارد، به عنوان یک اصل تعیین‌کننده اعمال قوانین کیفری مورد پذیرش قرار نگرفته بود. این در حالی است که بسیاری از کشورهای دیگر از دیرباز این اصل را پذیرفته و هم‌اکنون نیز در نظام‌های حقوق داخلی و بین‌المللی استناد به آن در حال گسترش است. با عنایت به عدم مغایرت این اصل با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت آن در سطح بین‌المللی، ماده (۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل مزبور را مورد پیش‌بینی قرار داده است که گام مؤثری در حمایت از اتباع ایرانی به شمار می‌رود. بررسی میزان تأمین منافع اتباع ایرانی از طریق پیش‌بینی این اصل، جایگاه این اصل در جدال با سایر اصول اعمال صلاحیت و نحوه تعامل اصل موصوف با سایر کشورهای دارای صلاحیت، موضوعی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده، صلاحیت کیفری، اصول تعیین‌کننده صلاحیت، صلاحیت کیفری بین‌المللی.

tahmasebi.dr@gmail.com

* دادیار دیوان عالی کشور

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۲۴

در نظام حقوقی اسلام، «دین» و در دنیای باستان «ملیت» معیار تعیین و تشخیص جوامع انسانی و تعیین‌کننده حد و مرز ملت‌ها بود. در این دوران حاکمیت دولت‌ها به معنای امروزی و به تبع آن اعمال صلاحیت فراسرزمینی فاقد معنا بود. در نظام حقوقی اسلام، معیار «دین» و در نظام حقوقی اروپای قرون وسطی، معیار «پیوند شخصی» تعیین‌کننده رابطه میان حاکمان و افراد جامعه (تبعه) قرار گرفته است.^۱ در چنین شرایطی اعمال قدرت سیاسی با مفهوم «مرز» هیچ ارتباطی ندارد. در این دوران صلاحیت بر اشخاص به دین و ملیت آنها بستگی داشت. «در واقع اشخاص حقوق خود را به هر کجایی که سفر می‌کردند، با خود می‌بردند».^۲ بنابراین در آن زمان اصل سرزمینی یا «قلمرو حاکمیت» نسبت به «اصل شخصی» در حالت برتر نبوده و نقش ثانوی داشته است. آنچه سبب گردیده که امروز مبنای اعمال حاکمیت کیفری «اصل سرزمینی بودن» باشد، ظهور «اصل حاکمیت» است. در نظریه ژان بُدن^۳ فرانسوی که واژه حاکمیت را در سده شانزدهم میلادی وارد علوم سیاسی کرد، حاکمیت همانا «قدرت مطلق و لایزال» است^۴ که از آن به عنوان «کنترل مؤثر» نیز یاد شده است.^۵ در قرن هفدهم توماس هابز در مورد اینکه حاکمیت نباید محدود باشد از بُدن هم جلوتر رفت. او بر این باور بود که هیچ چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند زمامدار را محدود سازد، زیرا زمامدار قدرت کامل و مطلق دارد.^۶ در نظام حقوق بین‌الملل نیز «انعقاد معاهده و ستفالی در سال ۱۶۴۸ مؤید ظهور اصولی چون حاکمیت، ملی‌گرایی و دولت - ملت بود.^۷ مهم‌ترین دست‌آورد این معاهده توافق کشورها به رعایت احترام مرزهای سرزمینی و خودداری از مداخله در امور داخلی همدیگر است. به نحوی که گفته شده است «وظیفه حقوق بین‌الملل از آن زمان در کل تاریخ خود جلوگیری از برخورد و تعارض میان دولت‌ها است». از این پس است که اصل حاکمیت و عدم مداخله پررنگ

۱. ضیایی، سیدياسر، «مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین‌الملل عمومی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و پنجم، شماره ۷۶، زمستان ۱۳۹۰، ص. ۲۳.
 ۲. همان.

3. Bodin

۳. دلبروک، جوست، حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص. ۷۳.
 ۴. ضیایی، سیدياسر، منبع پیشین، ص. ۱۱.
 ۵. رضایی‌نژاد، ایرج، «حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها، تحلیلی بر پایه اسناد بین‌المللی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص. ۵۰.
 ۶. ضیایی، سیدياسر، منبع پیشین، ص. ۲۳.

شده و مبنای اعمال صلاحیت دولت‌ها قرار گرفته است؛ بنابراین پابندی به اصل حاکمیت و فروع آن، از جمله «اصل درون‌مرزی بودن حقوق کیفری» و «اصل برابری دولت‌ها» سبب گردید تا مبنای اعمال صلاحیت بر اصل سرزمینی بودن تبیین شود، به نحوی که امروز این اصل مبنای اصلی تعیین صلاحیت دولت‌ها بوده و سایر اصول از جمله اصل صلاحیت شخصی حالت استثنایی دارند. گرچه مهم‌ترین جلوه حاکمیت، اعمال صلاحیت است، اما این دو لازم و ملزوم همدیگر نیستند، ممکن است دولتی بر سرزمینی حاکمیت نداشته باشد، اما امکان صلاحیت در قلمرو آن را داشته باشد. تمام اصولی که به موجب آن دولت‌ها نسبت به جرایم واقع‌شده در خارج از قلمرو خود اعمال صلاحیت می‌کنند، از این جمله‌اند. با توجه به اینکه در این مسأله منافع جمعی دولت‌ها مطرح است، لذا اعمال صلاحیت یک دولت در قلمرو حاکمیت دیگر دولت‌ها تحت شرایط خاص از جمله اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل است. نتیجه اینکه اعمال صلاحیت دادگاه‌های کیفری منحصر به «اصل صلاحیت سرزمینی» نیست، اگر جرمی علیه منافع اساسی یک کشور واقع شود و یا جرم از جمله جنایات مهم بین‌المللی باشد، حسب مورد «اصل صلاحیت حمایتی» و «اصل صلاحیت جهانی» به عنوان مبنای اعمال صلاحیت دولت‌ها برای رسیدگی به جرایم واقع‌شده در خارج از قلمرو سرزمینی آنها، مورد استناد قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تابعیت افراد نیز به دو صورت اسباب اعمال صلاحیت یک دولت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو آن را شکل می‌دهد. حالت نخست، زمانی است که مرتکب جرم تبعه آن دولت است که در این حالت «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم» مبنای اعمال صلاحیت قرار می‌گیرد. حالت دوم، زمانی است که تبعه دولت مورد بحث قربانی جرم ارتكابی در خارج از قلمرو سرزمینی آن می‌شود. در این حالت اصل تعیین‌کننده صلاحیت «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده است.» این اصل تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در نظام حقوق کیفری ایران به جز موارد بسیار محدود، به رسمیت شناخته نشده بود. در این قانون به موجب ماده (۸) به عنوان یکی از اصول تعیین‌کننده اعمال قوانین کیفری مورد پذیرش واقع شده است. مفاد این ماده با ابهاماتی مواجه است که در این مقاله ضمن بررسی اجمالی مفهوم و مبانی «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده» و وضعیت آن در نظام‌های حقوقی برخی از کشورهای دیگر، در صدد تحلیل و بررسی مقررات ماده مزبور و روشن نمودن ابهامات مطرح هستیم. نخستین مسأله ضرورت پذیرش این اصل است. چرا قانون‌گذار پس از یک سده قانون‌گذاری به این نتیجه رسیده است که اصل مورد بحث را به عنوان یکی از اصول تعیین‌کننده صلاحیت اعمال قانون داخلی نسبت به جرایم واقع‌شده در خارج از

کشور بپذیرد. مسأله دیگر شرایط پذیرش این اصل است. زیرا با یک نگاه تطبیقی ملاحظه می‌شود که اعمال «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده» در نظام‌های مختلف حقوقی دنیا، یک اصل مطلق نیست، بلکه همواره با قید و شرط‌هایی همراه است. بنابراین بررسی این شرایط یک ضرورت است. زیرا ابهامات مطرح معمولاً ناشی از این شرایط است.

سؤال دیگر این است که چرا قانون‌گذار در کنار جرایم ارتكابی علیه «اتباع ایران» جرایم علیه «کشور ایران» را نیز قید نموده است. ارتباط این قید با جرایم علیه منافع اساسی کشور که به شرح ماده (۵) همین قانون پیش‌بینی شده و صلاحیت دادگاه مبتنی بر «اصل صلاحیت حمایتی» برای رسیدگی به آنها تعیین شده است چیست؟ سؤال دیگر مربوط به ارتباط مواد (۷) و (۸) قانون مجازات اسلامی است؛ به این شرح که در صورت تراحم دو اصل «صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم» به شرح ماده (۷) این قانون و «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده» به شرح ماده (۸) آن، کدام مقررات قابل اعمال است؟ با توجه به اینکه به موجب بند «الف» ماده (۸)، یکی از شرایط اعمال این ماده این است که متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد، این سؤال مطرح است که اگر جرم مورد نظر در دادگاه صالح کشوری غیر از کشور «محل وقوع جرم» تحت پیگرد و رسیدگی قرار گرفته باشد، از جمله موانع رسیدگی مجدد محسوب است یا خیر؟

ابهام دیگر این است که اگر رسیدگی در کشور محل وقوع جرم تنها شروع شده و در جریان باشد و هنوز محاکمه صورت نگرفته باشد، آیا این وضعیت از جمله موانع رسیدگی در دادگاه‌های ایران محسوب است یا خیر. همچنین این سؤال قابل طرح است که آیا امکان رسیدگی غیابی در این جرایم وجود دارد یا خیر. اینها مهم‌ترین سئوالاتی هستند که جهت فهم دقیق ماده (۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مطرح است. امید است پس از بررسی‌های لازم بتوانیم در پایان جهت پاسخ‌گویی به این سئوالات به نتیجه روشنی برسیم.

۱. چیستی و چالش‌های اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده

۱-۱. مفهوم و مبنا

تابعیت رابطه حقوقی بین شخص و یک کشور است که با خارج شدن فرد از قلمرو آن کشور گسیخته نمی‌شود. همین تداوم رابطه، سبب تداوم ارتباطات حقوقی فرد با دولت متبوع است. از آنجایی که اعمال حاکمیت دولت‌ها محدود به قلمرو مکانی آنها نبوده و مبتنی بر اصول دیگری نیز تعیین می‌شود، اصل تابعیت یکی از این اصول

است که موجب گسترش اجرای قوانین یک کشور در قلمرو دیگر کشورها است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، گسترش قوانین در حوزه حقوق کیفری به تبع تابعیت فرد دو جنبه را شامل می‌شود. جنبه نخست «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌کار» و جنبه دوم «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده» است. علی‌رغم نقش محوری «تابعیت» در این دو اصل، هدف و مبنای آنها کاملاً متفاوت است. برای توجیه اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌کار سه دلیل مهم قابل ذکر است. نخست اینکه، هر فرد در خارج از کشور خود جلوه‌ای از آن کشور محسوب و سوء‌شهرت یا حسن شهرت وی ارتباط نزدیکی با وجهه و اعتبار بین‌المللی دولت متبوع او دارد. بر همین اساس گفته شده است، ملّیت اساسی‌ترین و مهمترین مبنا برای این اصل به شمار می‌رود.^۱ چه اینکه واقعیتی بنام ملیت است که افراد یک ملت را به همدیگر پیوند می‌دهد. «یکی از عوامل بسیار اساسی این اتحاد و همبستگی وجود قانون واحدی است که بر تمام افراد ملت حاکم است».^۲ دوم، همان‌طور که افراد در خارج از قلمرو کشور متبوع، مشمول حمایت‌های حقوقی و سیاسی این دولت هستند، باید در برابر نقض قوانین نیز پاسخ‌گو بوده و مشمول رعایت باید و نبایدهای آن دولت باشند. دلیل سوم، ارتباط این اصل با یکی دیگر از اصول حقوق بین‌الملل است که در نظام حقوقی تمام کشورها پذیرفته شده و آن «اصل عدم استرداد تبعه»^۳ است، به این معنی که به موجب حقوق داخلی کشورها، چنانچه تبعه آنها در خارج از کشور مرتکب جرمی شود و به کشور خود مراجعه نماید، از استرداد او خودداری می‌شود. اجرای عدالت اقتضا دارد که این فرد از پیگرد کیفری مصون نباشد و اصل عدم استرداد تبعه موجب بی‌کیفرمانی او نگردد. برای تحقق این اقتضا راهی جز پیگرد مجرم از سوی دادگاه‌های کیفری کشور متبوع نیست.

در اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده نیز همانند اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم، مبنای اعمال صلاحیت «تابعیت» است. با این تفاوت که هدف از اعمال صلاحیت «حمایت از تبعه» است و معیار تعیین صلاحیت تابعیت قربانی جرم است نه مرتکب آن. بنابراین می‌توان گفت که «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده» یعنی اعمال مقررات قانونی، قضایی و اجرایی یک کشور، با هدف حمایت از اتباع خود برای رسیدگی به جرایمی که علیه اتباع مربوط در خارج از قلمرو سرزمینی

۱. پوربافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص. ۴۶.

۲. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی - کلیات حقوق جزا، جلد اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۹.

۳. این اصل در ماده (۸) قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ به شرح زیر به تصویب رسیده است:

ماده (۸) در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد:

۱- هرگاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد.

آن کشور ارتکاب می‌یابد. مبنا و ضرورت اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده، علی‌الاصول حمایت از اتباع یک کشور است؛ زیرا جرم در قلمرو سرزمینی کشور دیگری ارتکاب یافته و نظم عمومی آن کشور را تهدید کرده است. لذا در این حالت تمسک به نقض نظم عمومی که اصولاً مهم‌ترین مبنای توجیه‌کننده تعقیب مجرم محسوب می‌شود، بسیار کم‌رنگ است. بر همین اساس بعضی از نویسندگان به این اصل «اصل صلاحیت حمایت از اتباع» گفته‌اند.^۱ از طرفی، زمانی یک دولت صلاحیت خود را به استناد این اصل اعمال می‌کند که امکان استناد به دیگر اصول تعیین‌کننده صلاحیت وجود نداشته باشد. در غیر این صورت، نیازی به تمسک به اصل مزبور نیست. بر همین اساس در صدر ماده (۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قید شده است که «هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود به موجب قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود ...». بنابراین قانون‌گذار خواسته است که به قصد حمایت از اتباع ایرانی صلاحیت خود را فراتر از آنچه در سایر مواد این قانون پیش‌بینی شده است، نسبت به جرایم ارتكابی علیه اتباع مربوط گسترش دهد. زیرا حمایت از اتباع همان‌طور که در امور مدنی از طریق کنسولگری‌ها و در امور سیاسی با توسل به سازوکارهای دیپلماتیک صورت می‌گیرد، از نظر کیفری نیز با توسل به سازوکارهای حقوقی مورد قبول جامعه بین‌المللی اعمال می‌شود. مبنای دیگر که برای این اصل بیان شده «دفاع از خویش» است.^۲ به این شرح که در این مورد دولت با حمایت کیفری از تبعه، در واقع به دفاع و حمایت از خود نیز می‌پردازد^۳ زیرا ارتکاب جرم علیه تبعه یک دولت به طور غیر مستقیم حیثیت و اعتبار آن دولت را نیز مخدوش می‌کند.

علاوه بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که ضرورت مبارزه با بی‌کیفری جرایم به خصوص در وضعیتی که مرتکب جرم از صاحب‌منصبان یک دولت باشد و دولت متبوع امکان یا تمایل به پیگیری وی را نداشته باشد، می‌تواند سازوکار مناسبی جهت مقابله با بی‌کیفری باشد. برای مثال در جریان ربوده شدن امام موسی صدر که تبعه ایران بود، با توجه به موقعیت متهمان احتمالی، امکان رسیدگی به این جرم در لیبی فراهم نبود و دادگاه‌های ایران نیز از نظر قانونی صلاحیت رسیدگی نداشتند. این فقدان صلاحیت نه تنها سبب بی‌کیفری بلکه سبب عدم امکان جمع‌آوری دلایل و عدم شناسایی متهمان

۱. آقای جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد نخست، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۱.
 ۲. علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۰.
 ۳. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، نامه مفید، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص. ۱۰۰.

و حتی عدم اطلاع از سرنوشت قربانیان شد؛ به نحوی که تا به حال نیز جنبه‌های قضایی این واقعه در هاله‌ای از ابهام است. زائران ایرانی در کشور عراق قربانی اعمال مجرمانه و خشونت‌بار اتباع غیرایرانی می‌شوند، حتی اگر این افراد در ایران نیز یافت می‌شدند، دادگاه‌های ایران قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صلاحیت رسیدگی به این جرایم را نداشتند. علی‌رغم آنچه گفته شد پذیرش این اصل، مورد اتفاق و اجماع حقوق‌دانان و سیاست‌مداران نیست. بر همین اساس آگاهی از استدلال مخالفین و موافقین پذیرش این اصل ضروری است.

۱-۲. بررسی نظر مخالفان و موافقان

پذیرش اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده با مخالفت‌های جدی در میان صاحب‌نظران مواجه است و دغدغه‌های عملی نیز برای تمسک به آن مطرح است. دون دیو دو وابر، حقوق‌دان مشهور فرانسوی در مخالفت با این اصل بیان می‌کند که اگر هدف مجازات حمایت از منافع خصوصی و جبران زیان وارده بر بزه‌دیده بود، شاید چنین صلاحیتی توجیه می‌شد، اما به هیچ‌وجه چنین نیست.^۱ وی می‌افزاید که صلاحیت ناشی از تابعیت مجنی‌علیه فاقد مبنای منطقی است و بیم آن می‌رود که دادرسی که هموطن بزه‌دیده است تحت تأثیر یک پیش‌داوری خصمانه نسبت به متهم گام در بی‌عدالتی یا شدت عمل بی‌اندازه بردارد.^۲

برخی دیگر از حقوق‌دانان، اعمال صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده را نوعی مداخله در حاکمیت دولتی می‌دانند که جرم در قلمرو آن واقع شده است.^۳ به این معنا که دولتی که جرم در قلمرو آن واقع شده و نیز دولتی که مجرم تبعه آن است، دو دولتی هستند که ارتباط تنگاتنگی با جرم ارتكابی دارند و صلاحیت آنها برای رسیدگی به جرم ارتكابی قابل توجیه‌تر است تا دولتی که قربانی جرم تبعه آن است.^۴ این حقوق‌دانان اقدام دولت متبوع بزه‌دیده در رسیدگی به جرم ارتكابی علیه او را نوعی مداخله در کشوری می‌دانند که جرم در قلمرو آن و یا توسط اتباع مربوطه ارتكاب یافته

۱. دون دیو دو وابر، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری جزای فرانسه، ترجمه علی آزمایش، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص. ۵۱۷؛ به نقل از: خالقی، علی، حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲، ص. ۱۷۵.

۲. همان.

3. Geoff. Gilbert, "Crime Sans Frontiers, Jurisdictional Problems in English Law", The British Yearbook of International Law, vol. 63, issue 1, 1992, p. 418.

۴. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، منبع پیشین، ص. ۱۰۱.

است.^۱ این ایراد قابل تأمل است. اما می‌توان در کنار پذیرش اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده نگرانی فوق را هم مرتفع کرد. همان‌طور که ماده (۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هم‌زمان با پذیرش اصل مورد بحث، به ایراد مزبور نیز توجه داشته است. زیرا به موجب بند (الف) این ماده یکی از شرایط اعمال این اصل چنین بیان شده است: «متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.» بنابراین، اصل بر صلاحیت و رعایت حاکمیت دولت محل وقوع جرم است و صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده یک نوع صلاحیت تکمیلی محسوب می‌شود که در صورت عدم اقدام دولت محل وقوع جرم، اعمال خواهد شد. به این نحو صلاحیت دولت محل وقوع جرم مورد احترام و پذیرش قرار گرفته است.

ایراد دیگری که نسبت به این اصل از سوی مخالفان وارد می‌شود، این است که اصل مزبور تأمین‌کننده هیچ نفعی چه برای دولت متبوع قربانی جرم و چه برای سایر دولت‌ها نیست. به عبارت دیگر، پذیرش این اصل نه کمکی در جهت همکاری‌های بین‌المللی به شمار می‌آید و نه تأمین‌کننده نظم عمومی و داخلی دولت متبوع قربانی است.^۲ به نظر می‌رسد این ایراد نیز خللی به پذیرش اصل مورد بحث وارد نمی‌کند. چه اینکه اولاً حمایت از اتباع از جمله وظایف هر دولت به شمار می‌آید.^۳ ثانیاً این امر نشان از اقتدار یک دولت و سبب مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی است.

نهایتاً ایراد شده است که به موجب اصول پذیرفته‌شده حقوق کیفری، مسئولیت کیفری فرع بر اطلاع از مقررات کیفری است. در این حالت فرض اطلاع یک فرد از قوانین سایر کشورها، فرض معقول و منصفانه‌ای نیست. این ایراد هنگامی شدت پیدا می‌کند که فردی در داخل کشور متبوع و محل زندگی خود نسبت به یک خارجی عملی را انجام دهد که آن عمل مطابق قوانین کشور خودش مجرمانه نیست، اما در کشور متبوع فرد خارجی آن عمل، مجرمانه و قابل مجازات است.^۴ این ایراد به شرح بند (ب) ماده (۸) قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. به این شرح که یکی از شرایط اعمال مقررات ماده مزبور این است که: «رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.» قابل ذکر است

۱. حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۲، ص. ۶۵.

۲. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، منبع پیشین، ص. ۱۰۰.

۳. حسینی‌نژاد، حسینقلی، منبع پیشین، ص. ۶۴.

۴. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، منبع پیشین، ص. ۱۰۵.

که این بخش از ماده (۸) ایراد مطرح را کاملاً مرتفع نمی‌کند، زیرا صرف «مجرمیت متقابل»^۱ برای امکان رسیدگی کافی است. اما مسأله قابل توجه این است که تبعه خارجی که در کشور خود بر علیه تبعه ایرانی مرتکب جرم شده است، از مفاد مقررات کیفری ایران به خصوص میزان مجازات و شرایط تحقق مسئولیت کیفری در ایران بی‌اطلاع است. در این وضعیت اعمال مجازات در مورد عمل ارتكابی منصفانه به نظر نمی‌رسد. با توجه به اینکه پذیرش صلاحیت دادگاه‌های کیفری نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور مشتمل بر صلاحیت تقنینی، قضایی و اجرایی است، یعنی تمام مقررات کشور رسیدگی‌کننده نسبت به جرایم ارتكابی خارج از قلمرو آن اعمال می‌شود، در این حالت چاره‌ای جز پذیرش ایراد مطرح وجود ندارد. البته قابل ذکر است که این ایراد اختصاص به اصل مورد بحث نداشته بلکه در تمام مواردی که صلاحیت کیفری نسبت به جرایم ارتكابی توسط اتباع بیگانه در قلمرو کشور دیگری اعمال می‌شود، مطرح است.

ایراد دیگری که نسبت به این اصل مطرح می‌شود، غیرکاربردی بودن آن است. در زمان تدوین ماده (۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در اداره کل تدوین لوایح قوه قضاییه، وزارت امور خارجه اعلام نمود که «با توجه به قید «در ایران یافت شدن» در قانون مورد بحث، این قانون امکان اجرایی شدن ندارد، لذا علاوه بر آنکه از مقصود اصلی که همانا حمایت بیشتر از اتباع کشورمان در خارج است باز مانده‌ایم؛ امکان اعتراض به اقدامات ایالات متحده آمریکا در اعمال و چگونگی این صلاحیت را نیز از دست داده‌ایم».^۲ پاسخ این ایراد واضح است. چه اینکه حدود و ثغور اعمال صلاحیت کیفری هر کشوری به موجب مقررات داخلی آن کشور تعیین می‌شود، صرف‌نظر از اینکه این مقررات مورد قبول سایر کشورهای ذی‌نفع باشد یا خیر، تأثیری در اجرای داخلی آن قوانین ندارد. این مسأله در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. دادگاه کشور خارجی نیز به قوانین داخلی نظام حقوقی خود استناد می‌کند، ایراد سایر کشورها مانعی برای اعمال صلاحیت دادگاه‌های وی محسوب نمی‌شود. ثانیاً با عنایت به قید «... به ایران اعاده گردد...» به شرح مندرج در ماده (۸) قانون مورد بحث، شرایط اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران تنها منحصر به «یافت شدن متهم در ایران» نیست، بلکه در جرایمی که جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده (۸) صلاحیت رسیدگی دارد، گرچه رسیدگی غیابی جایز نیست، اما می‌توان قبل از یافت شدن متهم تعقیب را آغاز و مطابق مقررات

نسبت به استرداد او اقدام کرد. این وضعیت ظرفیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جرایم واقع شده در خارج از کشور را ارتقا می‌دهد. بنابراین ایراد مزبور وارد نیست. نکته دیگر در مورد ایراد مزبور یعنی «سلب امکان اعتراض به اقدامات ایالات متحده آمریکا» این است که آن دولت در بعضی موارد اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده را پذیرفته و در سال ۱۹۷۳ با پیوستن به کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان سیاسی، این صلاحیت را گسترش داده و متعاقب آن نیز قوانین داخلی متعددی وضع کرده که به موجب آن مرتکبین جرایم علیه مأموران و دیپلمات‌های آمریکایی در خارج و همچنین جرایم تروریستی بر علیه اتباع آمریکایی را قابل مجازات دانسته است که در بند دوم این مقاله به بررسی آنها خواهیم پرداخت. حال که این کشور در حال توسعه صلاحیت خود می‌باشد، آیا منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این است که ما به امکان اعتراض به صلاحیت آن دولت امیدوار شویم و این سازوکار را که می‌تواند ابزار حقوقی مناسبی برای مقابله به مثل حقوقی باشد، از کشورمان سلب کنیم. مضافاً اینکه همان‌طور که پیش از این اشاره شد، اعمال صلاحیت از سوی دادگاه‌های داخلی یک کشور، یا به استناد کنوانسیون‌های بین‌المللی است و یا مبتنی بر قوانین داخلی که در هر دو صورت ایراد و اعتراض دیگر کشورها سازوکار حقوقی مناسب و موثری برای مخدوش کردن صلاحیت آن کشور محسوب نمی‌شود. نکته آخر اینکه اعمال صلاحیت به استناد اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده، مورد پذیرش نظام حقوقی بین‌المللی و نظام داخلی بسیاری از کشورها است و اعتراض نسبت به آن فاقد وجه حقوقی است. زیرا پذیرش این اصل در اسناد بین‌المللی و نظام داخلی کشورها اقدام به استناد آن را یک عمل موجه جلوه می‌دهد و حکایت از عدم مغایرت آن با اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل دارد. بررسی این وضعیت در نظام حقوقی اسلام و کشورهای مختلف ابعاد بحث را واضح‌تر خواهد کرد.

۱-۳. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده در حقوق اسلام

اصولاً نظام حقوقی اسلام محدود به مرزهای جغرافیایی نیست زیرا «اصل در شریعت اسلامی این است که اسلام شریعت مبانی است و برای تمام عالم و تمامی انسان‌ها آمده است و نه شریعتی مکانی که برای جزئی از عالم و بعضی از انسان‌ها آمده باشد»^۱. بدیهی است امروزه و با توجه به نظام حقوقی حاکم بر دنیا، نظام حقوقی اسلام تنها در کشورهای مسلمان و مطابق مقررات قانونی پذیرفته شده و در این کشورها

۱. عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (بخش حقوق جزای عمومی)، جلد دوم، ترجمه عباس شیری، نشر میزان، ۱۳۷۳، ص. ۳۵.

اعمال و اجرا می‌شود. بنابراین علی‌رغم جهانی بودن شریعت اسلام، اوضاع و احوال عملی سبب شده است که اعمال مقررات نظام حقوقی اسلام نیز تابع اصولی از جمله اصل سرزمینی بودن باشد. این مسأله در نظام حقوقی اسلام چیز جدیدی نیست، زیرا فقیهان کل عالم را به دو قسمت تقسیم نموده‌اند. قسمت نخست شامل تمام کشورهای اسلامی که دارالاسلام نامیده می‌شود و قسمت دوم شامل کشورهای دیگر که دارالحرب نامیده شده است. گرچه در قسم نخست عمل بر طبق شریعت اسلام واجب و عملی است^۱، اما این تقسیم‌بندی مانع از آن نیست که تحت شرایط خاصی در نظام حقوقی اسلام، مقررات کیفری در خارج از دارالاسلام نیز جاری شود؛ زیرا، «اصل عمومی شرعی، جریان احکام شریعت است»^۲. اصولاً هر قانونی که به اجرای عمومی شریعت اسلام و برداشتن مانع موجود هم‌جهت باشد، مغایرتی با نظام حقوقی اسلام ندارد. بنابراین مسلمانان نه تنها در دارالاسلام بلکه در هر جای دنیا ملزم به رعایت احکام اسلامی هستند و در صورت تخطی از آن مورد عقوبت قرار می‌گیرند. افراد غیرمسلمان نیز همان‌طور که مخاطب اصول اعتقادات دینی هستند، از شمول فروع و عقوبات دینی نیز خروج موضوعی ندارند. بنابراین «طبیعت مجازات در شریعت، فرق بین مجازات دو فرد و بین مجازات مسلمان و غیرمسلمان را اجازه نمی‌دهد. برای هر جرمی، مجازاتی است و هر کسی اعم از مسلمان و غیرمسلمان مرتکب آن جرم شود، مستحق مجازات آن می‌گردد»^۳. اصولاً عقوبت دنیوی برای حمایت از مهم‌ترین ارزش‌های معنوی و مادی وضع شده است. «مهم‌ترین و ارجمندترین ارزش‌های معنوی و مادی انسان که مایه پرورش روح و جسم است و اسلام حمایت از آنها را هدف قانون‌گذاری‌های خود قرار داده، ارزش دین، جان، عقل، ناموس و مال است»^۴. حرمت این ارزش‌ها ضروری است که به قول بعضی از بزرگان ضروریات خمس نامیده می‌شوند،^۵ منحصر به مرزهای جغرافیایی نیست. نتیجه اینکه محل ارتکاب جرم و دین مرتکب از جمله غیرمسلمان بودن مرتکب جرم، مانع اعمال مقررات کیفری اسلام نیست.

با توجه به اینکه محدودیت‌های جغرافیایی و تابعیت، مانعی برای اعمال مقررات کیفری اسلام به حساب نمی‌آیند و اصولاً خطاب بسیاری از آیات قرآن کریم «ناس» است، لذا هر قانونی که سبب گسترش اجرای مقررات اسلام شود، قدمی در جهت

۱. همان.

۲. همان، ص. ۳۹.

۳. همان، ص. ۸۶.

۴. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد دوم، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص. ۲۱.

۵. گرجی، ابوالقاسم، حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، ص. ۲۸۵.

اجرای این احکام محسوب می‌شود. بر همین اساس در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ماده (۵) این قانون که صلاحیت دادگاه‌های ایران را برای رسیدگی به جرایم خاصی گسترش می‌داد، با ایراد شورای محترم نگهبان واقع شد. این ایراد به علت گسترش صلاحیت دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به جرایم واقع شده در خارج از کشور نبود، بلکه به علت محدود کردن این گسترش صلاحیت به جرایم خاص مندرج در آن ماده، مطرح شد. یعنی شورای محترم نگهبان اعتقاد داشت که این گسترش صلاحیت نباید مقید به جرایم خاصی شود، بلکه در تمام جرایم باید دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران صلاحیت رسیدگی داشته باشند. سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام با پذیرش نظر مجلس شورای اسلامی اعمال صلاحیت را به جرایم مندرج در آن ماده منحصر کرد.

نتیجه اینکه، عام‌الشمول بودن احکام اسلام مانع از آن شده است که قواعد محدودی مثل صلاحیت مبتنی بر شخصیت بزه‌دیده یا بزه‌کار به صورت خاص مورد توجه و نظر قرار گیرد، اما پذیرش این اصول نه تنها مغایرتی با موازین اسلام ندارد بلکه به جهت همسویی با اطلاق و عام‌الشمول بودن احکام اسلام گامی گرچه جزئی در راستای تحقق نظام حقوقی اسلام محسوب می‌شود.

۲. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در نظام کیفری دیگر کشورها

صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده گرچه بحث برانگیزترین اصل در میان اصول پنج‌گانه تعیین صلاحیت اعمال قوانین کیفری در حقوق بین‌الملل است،^۱ اما از قدیم‌الایام بسیاری از کشورها، هرکدام به نحوی و تحت شرایط خاصی این اصل را برای اعمال صلاحیت خود نسبت به جرایم واقع شده در خارج از قلمرو مربوط پذیرفته‌اند. در سال ۱۹۳۵ مدرسه حقوق هاروارد تحقیقی انجام داد که بر اساس آن، در آن زمان کشورهای متعددی از جمله آلبانی، برزیل، چین، ژاپن، لتونی، لیتوانی، مکزیک و موناکو، پرو، لهستان، رومانی، سان‌مارینو، سوئد، سوییس، ترکیه، اروگوئه، ونزوئلا و یوگسلاوی صلاحیت دادگاه‌های خود را بر اساس اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده برای رسیدگی به جرایم واقع شده در خارج از قلمرو خود گسترش داده بودند.^۲ با نگاهی گذرا به نظام حقوقی کشورهایی که اصل صلاحیت مبتنی بر بزه‌دیده را پذیرفته‌اند، این نتیجه حاصل می‌شود که شرایط یکنواختی برای پذیرش این اصل حاکم نیست. به طور کلی هفت شیوه برای

1. McCarthy, John, "The passive Personality Principle and Its Use in Combatting International Terrorism", *Fordham International Law Journal*, vol. 13, Issue 3, 1989, p.1.
 2. Harvard Research Project No. 935:478; Available at: www.aals.org.

پذیرش این اصل در نظام‌های مختلف حقوقی بیان شده است.^۱ به عبارت دیگر می‌توان گفت که در نظام‌های مختلف حقوقی هفت نوع شرط‌گذاری برای پذیرش این اصل مقرر شده است. البته ممکن است در برخی از این نظام‌ها تنها یک و در برخی دیگر چند شرط از شرایط مورد بحث در کنار هم پذیرفته شده باشد. شیوه نخست، پذیرش صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در تمام جرایم است. نظام حقوقی فرانسه با توجه به گستردگی که در سال ۱۹۹۴ به موجب ماده ۷-۱۱۳ در پذیرش این اصل به عمل آورد، از جمله این کشورها است. همان‌طور که در ادامه این بحث خواهیم گفت اکثر جرایم ارتكابی علیه فرانسویان در خارج از کشور مشمول اصل مورد بحث خواهند شد. شیوه دوم، روشی است که به موجب آن تنها نوع خاصی از جرایم که دقیقاً ذکر می‌شوند، مشمول اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده است. کشور آمریکا از این شیوه پیروی کرده است، زیرا در مورد جرایم خاص از جمله جرایم تروریستی صلاحیت خود را مبتنی بر اصل مورد بحث گسترش داده است. شیوه سوم به این صورت است که جرایم دارای حداقل مجازات‌های معین مشمول اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده هستند. از جمله ماده (۸) قانون کیفری ۱۹۹۷ چین که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم. شیوه چهارم زمانی است که یک مقام اجرایی اجازه اعمال این اصل را بدهد. برای مثال، در نروژ به موجب قانون کیفری این کشور برای اعمال اصل مزبور باید پادشاه در هر پرونده‌ای دستور اقدام بدهد. روش پنجم زمانی قابل اعمال است که متهم در قلمرو دولتی که به استناد اصل مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در صدد تعقیب او است دستگیر شود. ایتالیا از جمله کشورهایی است که به موجب ماده (۱۰) قانون کیفری ۱۹۸۷ این شرط را پذیرفته است. در بعضی از کشورها علاوه بر یافت شدن متهم، استرداد وی، راه دیگری برای امکان تعقیب متهم است. روش ششم در حالتی قابل اعمال است که دولت محل وقوع جرم در صدد تعقیب متهم نباشد. این روش به موجب ماده (۶) قانون کیفری ۱۹۸۳ کشور کره پذیرفته شده است. آخرین روش تحت این شرط قابل اجرا است که مجرمیت متقابل مطرح باشد، یعنی عمل ارتكابی به موجب قانون هر دو کشور محل وقوع جرم و تعقیب کننده، جرم محسوب شود. یونان، نروژ و سوئد از جمله کشورهایی هستند که این شرط را پذیرفته‌اند.^۲

در بسیاری از کشورها چند شرط از شرایط هفت‌گانه فوق را پذیرفته‌اند یعنی اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده منوط به احراز جمیع آن شرایط شده است.

1. Mccarthy, John, Op. cit., pp. 313-314.
2. Ibid, pp. 312-318.

با گسترش جرایم تروریستی، کشورها در صدد توسعه صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده هستند تا بتوانند در هر کجای دنیا از اتباع خود حمایت کنند. با توجه به اینکه بررسی نظام حقوقی تمام کشورها ممکن نیست به طور مختصر به نظام حقوقی چند کشور اشاره می‌شود.

۲-۱. جمهوری خلق چین

چین از جمله کشورهایی است که اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده را پذیرفته است. به موجب ماده (۸) قانون جزای جمهوری خلق چین مصوب ۱۴ مارس ۱۹۹۷ اصل مزبور به این شرح مورد پذیرش قرار گرفته است: «این قانون در مورد هر بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو زمینی و یا قلمرو آبی و هوایی جمهوری خلق چین مرتکب جرمی علیه دولت و نظام جمهوری خلق چین یا هریک از اتباع این کشور شود اعمال و اجرا می‌شود، در صورتی که برای آن جرم، قانون حداقل مجازات ثابت حبس که کمتر از سه سال نباشد تعیین کرده باشد. این قانون در مورد جرایم ارتكابی که بر حسب قانون قابل مجازات در محل ارتكاب جرم نیستند اعمال خواهد شد.»^۱ همانند ماده (۸) قانون مجازات اسلامی ایران، در ماده ۸ قانون کیفری چین نیز «جرایم علیه دولت و نظام جمهوری خلق چین» و جرایم «علیه اتباع این کشور» تحت شرایط واحد و به موجب یک ماده مشمول اعمال صلاحیت دادگاه‌های این کشور می‌شوند. دو شرط اصلی در ماده (۸) قانون چین عبارتند از: ۱- مجرمیت مضاعف؛ ۲- جرایمی که دارای حبس بیش از سه سال باشند. مجرمیت مضاعف به این معنی است که رفتار ارتكابی مورد نظر علاوه بر اینکه به موجب قانون کشور چین جرم محسوب می‌شود، باید به موجب قانون کشور محل وقوع آن نیز جرم باشد. علاوه بر این، فقط جرایم دارای سه سال حبس به بالا مشمول این اصل می‌شوند. لذا از بین شرایط هفت‌گانه‌ای که قبلاً بررسی شد، در نظام حقوق کیفری چین دو شرط در کنار هم پذیرفته شده است تا در صورت اجتماع آن دو شرط امکان تمسک به اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده برای دادگاه‌های این کشور فراهم شود.

۲-۲. فرانسه

به موجب ماده (۷ - ۱۱۳) قانون مجازات ۱۹۹۲ فرانسه که از سال ۱۹۹۴ اجرا گردید، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده به این شرح به تصویب رسیده است: «قانون کیفری فرانسه نسبت به هر جنایت همچنین هر جنحه‌ای که مستوجب حبس

۱. حجاریان، محمدحسن، ترجمه قانون جزای جمهوری خلق چین، انتشارات مجد، ۱۳۸۵، ۱۳۸۵.

است، اعم از اینکه توسط یک فرانسوی یا یک خارجی در خارج از سرزمین فرانسه ارتکاب یافته باشد، در صورتی که در هنگام ارتکاب جرم، بزه‌دیده فرانسوی باشد، اعمال می‌شود.» این اصل در ماده (۶۸۹) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز با تأکید بر ماده (۷ - ۱۱۳) قانون مجازات به شرح زیر مورد توجه قرار گرفته است: «مباشران یا معاونان جرایم ارتكابی خارج از سرزمین فرانسه می‌توانند زمانی که یک کنوانسیون بین‌المللی به مراجع فرانسه صلاحیت شناسایی و کشف جرم را می‌دهد، به وسیله دادگاه‌های فرانسه تعقیب و محاکمه شوند.^۱ یکی از کنوانسیون‌هایی که جرم موضوع آن بر اساس اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده مورد توجه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قرار گرفته است، کنوانسیون راجع به حمایت از منافع مالی اتحادیه اروپا است که در بند (۳) ماده (۶۸۹) قانون آیین دادرسی کیفری این مسأله به شرح زیر مورد توجه قرار گرفته است: «هر شخص محکوم به جنحه پیش‌بینی شده در ماده (۲-۴۳۵) قانون جزا یا یک جرم لطمه‌زننده به منافع مالی اتحادیه اروپا در کنوانسیون راجع به حمایت از منافع مالی اتحادیه اروپا که در ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۵ در بروکسل منعقد شده است، زمانی که این جرم بر علیه یک تبعه فرانسوی ارتکاب یافته باشد.» اجرای اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در حقوق فرانسه نیازمند تشریفات خاص است. از جمله اینکه به شرح مواد ۸-۱۱۳ و ۹-۱۱۳ پیش‌بینی شده است که تعقیب جنحه‌ها موضوع ماده ۷-۱۱۳ نمی‌تواند جز با درخواست دادسرا به اجرا درآید و نسبت به این امر باید با شکایت بزه‌دیده یا صاحبان حق یا اعلام رسمی جرم از جانب مقامات رسمی کشور محل وقوع جرم ارتكابی، مبادرت شود.^۲

بعضی حقوق‌دانان معتقدند که توسعه بیش از حد صلاحیت فراسرزمینی قانون کیفری فرانسه به موجب ماده ۷-۱۱۳ یک توسعه غیرعادی است؛^۳ زیرا اکثر کشورهای که این اصل را پذیرفته‌اند یا آن را محدود به جرایم خاص کرده‌اند (مانند ایالات متحده آمریکا) یا شرایط دیگری مثل مجرمیت متقابل همانند آنچه در مورد کشور چین گفته شد، به عنوان پیش‌شرط اعمال این اصل مقرر شده است. حتی قبل از آنکه قانون‌گذار فرانسه به موجب ماده ۷-۱۱۳ از سال ۱۹۹۴ به بعد این توسعه صلاحیت را از جرایم قابل مجازات بیش از پنج سال به جنحه‌های مستوجب حبس افزایش دهد، اکثر حقوق‌دانان در آن وضعیت نیز اعتقاد به موسع بودن صلاحیت فراسرزمینی فرانسه

۱. تدین، عباس، ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۸.

۲. گودرزی، محمدرضا؛ و لیلا مقدادی، ترجمه قانون مجازات فرانسه، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۶، ص. ۱۹.

3. Fritz, Eric & Omer Tene, "Article 113-7 of the French Penal Code: The Passive Personality Principle", Columbia Journal Of Transnational Law, vol. 41, 2003, p. 584.

براساس اصل مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده داشتند. ملاحظه می‌شود که با توجه به ماده ۷-۱۱۳ قانون فرانسه، تنها جرایم خرد یعنی امور خلافی و جنحه‌هایی که دارای مجازات حبس نیستند، مشمول اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده نمی‌شوند. علاوه بر آن هیچ شرط دیگری از شرایط هفت‌گانه‌ای که قبلاً در مورد آنها بحث شد، مانع اعمال صلاحیت دادگاه‌های فرانسه نیست.

۲-۳. آمریکا

در حقوق ایالات متحده آمریکا، صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده به عنوان اصل کلی در مورد تمام جرایم معمولی پذیرفته نشده، اما به طور فزاینده‌ای در مورد جرایم خاص و مهمی مثل جرایم تروریستی، حملات سازمان‌یافته علیه اتباع آمریکایی که به علت تابعیت مورد سوءقصد واقع می‌شوند، سوءقصد به نمایندگان دیپلماتیک و دیگر مقامات رسمی در حال پذیرش است.^۱ از دهه ۱۹۷۰ به بعد تمسک به اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده در نظام حقوقی آمریکا آغاز شد. در این زمان ایالات متحده آمریکا به کنوانسیون‌های ضدتروریستی پیوسته که به موجب مقررات آنها امکان تعقیب جرایم تروریستی در حالتی که قربانی آن تبعه آمریکا باشد در نظام حقوقی این کشور ایجاد می‌شود

آمریکا در سال ۱۹۷۳، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله نمایندگان سیاسی را امضا کرده است. مطابق این کنوانسیون دولت‌ها متعهد می‌شوند، نسبت به جرایمی که علیه دیپلمات‌ها و نمایندگان آنها در خارج واقع می‌شود اعمال صلاحیت کنند.^۲ دو قانون دیگری که آمریکا به موجب آنها اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده را پذیرفته یکی قانون گروگان‌گیری ۱۹۸۸ است که به موجب آن صلاحیت دادگاه‌های این کشور در مورد گروگان‌گیری‌ها علیه اتباع آن کشور قابل اعمال است و دیگری قانون ضدتروریسم سال ۱۹۸۶ است. به موجب این قانون هر جرم تروریستی که در خارج از قلمرو آمریکا واقع شود و قربانی آن یک آمریکایی باشد قابل رسیدگی در دادگاه‌های این کشور است.^۳

گرچه در نظام حقوقی آمریکا این اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده مثل سایر کشورهای مورد بحث به طور کلی پذیرفته نشده، اما رویکرد نظام حقوقی این کشور بر توسعه مصادیق جرایمی است که به صورت خاص مشمول این اصول می‌شوند؛ به نحوی که امکان اعمال صلاحیت آمریکا منحصر به جرایم تروریستی نبود. در سال

1. Ibid, p. 58.

۲. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص. ۱۱۶.

3. Mccarthy, John, Op. cit., pp. 311.

۱۹۸۷ کنگره اعمال صلاحیت ایالات متحده نسبت به جرایم ارتكابی علیه آمریکایی‌ها را به مناطقی که خارج از صلاحیت هر دولتی است، از جمله دریاهای آزاد، توسعه داده است.^۱ بنابراین رویکرد کلی، این کشور به توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی به استناد اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده است.

۳. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در حقوق ایران

پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در هیچ‌کدام از قوانین مجازات قبلی، یعنی قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده به عنوان یک اصل کلی تعیین‌کننده اعمال صلاحیت قوانین ایران در مورد جرایم واقع‌شده در خارج از کشور پذیرفته نشده بود. فقط در برخی قوانین خاص که اصولاً مبتنی بر معاهدات بین‌المللی وضع و تصویب شده‌اند، این اصل مورد پذیرش قرار گرفته است. قوانین خاصی که به موجب آنها اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده مبنای اعمال صلاحیت دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران است، قانون و کنوانسیون‌هایی است به شرح زیر که جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون‌ها پیوسته است.

- قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸^۲
 - کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما (سپتامبر ۱۹۶۳)
 - کنوانسیون راجع به جلوگیری از ارتكاب جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من‌جمله مأمورین سیاسی (۱۴ دسامبر ۱۹۷۳)
 - کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری (مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹)
 - کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳)
- در تمام مواردی که صلاحیت دادگاه‌های کیفری جمهوری اسلامی ایران بر اساس تابعیت بزه‌دیده تعیین شده است، این امر یا مقید به وضعیت مشخص است، مثل جرایم

1. Waston, Geoffrey, "The Passive Personality Principle", Texas International Law Journal, vol. 28, issue 1, 1993, pp. 12-13.

۲. به موجب بند (۲) ماده (۳۱) این قانون «به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتكاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد: الف - جرم مغل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد. ب - متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد. ج - هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید. در هریک از موارد بالا رسیدگی در دادگاه محلی که هواپیما فرود آمده یا دادگاه محلی که متهم دستگیر شود به عمل خواهد آمد.»

ارتكابی در هواپیمای خارجی در حال پرواز و یا منحصر به جرایم خاص است به شرح مقرر در کنوانسیون‌های مورد بحث. بنابراین در هیچ‌یک از این مقررات «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده» به عنوان یک اصل کلی تعیین‌کننده صلاحیت دادگاه‌های کیفری ایران پذیرفته نشده است.

برای نخستین بار در نظام قانون‌گذاری ایران در سال ۱۳۹۲ اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده در کنار سایر اصول تعیین‌کننده اعمال صلاحیت قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرایم واقع‌شده در خارج از کشور، به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته شده است. برای اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده به شرح مقرر در ماده (۸) قانون مجازات اسلامی^۱، شرایطی مقرر شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۱. تابعیت بزده‌دیده

نقطه ثقل اصل مورد بحث تابعیت بزده‌دیده است، زیرا این اصل مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده و به قصد حمایت از او بنا نهاده شده است. اما تشخیص تابعیت بزده‌دیده در مواردی قابل بحث است. از جمله اینکه اگر شخص بیش از یک تابعیت داشته باشد از نظر حقوق جزای بین‌الملل ممکن است چند کشور برای رسیدگی به جرم علیه او صالح به رسیدگی باشند. از آنجا که تابعیت از حاکمیت ناشی می‌شود و تعیین حد و مرز حاکمیت با رعایت قواعد بین‌الملل به عهده خود دولت‌هاست، بنابراین مقررات داخلی هر کشور است که تعیین می‌کند چه کسی تابعیت آن کشور را دارد. اصل تساوی دولت‌ها مانع از آن است که مقررات یک دولت برای تعیین تابعیت فرد بر دولت دیگری تحمیل شود. نتیجه اینکه در هر مورد مقررات داخلی است که تعیین‌کننده تابعیت بزده‌دیده است. نکته دیگر اینکه، هنگامی که دادگاه‌های ایران می‌توانند به استناد تابعیت بزده‌دیده اعمال صلاحیت کنند که وی هنگام وقوع جرم دارای تابعیت ایران باشد. بنابراین تابعیت قبل یا بعد از آن معیار نیست. بدیهی است در این مورد نیز معیار تعیین تابعیت، قوانین جمهوری اسلامی ایران است.

۱. ماده ۸ - هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف - متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب - رفتار ارتكالی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

۳-۲. تابعیت مرتکب جرم

تنها تابعیت بزه‌دیده نیست که در اعمال ماده (۸) نقش اساسی دارد، بلکه تابعیت مرتکب جرم نیز مهم است. یکی از شرایط مهم اعمال ماده (۸) قانون مجازات اسلامی «تابعیت مرتکب جرم» است. زیرا مرتکب باید تبعه خارجی باشد. به این شرح که اگر مرتکب جرم تابع ایران باشد، استناد به ماده (۸) مقدور نیست؛ زیرا، در این حالت صلاحیت اعمال قانون ایران نسبت به جرایم واقع شده در خارج از کشور حسب مورد به موجب مواد (۶) و (۷) تعیین می‌شود. با توجه به تفاوت شرایط اعمال هر یک از این مواد، رعایت این مسأله از اهمیت قابل توجه برخوردار است، چه اینکه شرایط اعمال مواد (۶)^۱ و (۷)^۲ با شرایط اعمال ماده (۸) متفاوت است. بنابراین در مورد جرایم واقع شده در خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، دادگاه ایران باید ابتدا مشخص کند که به استناد کدام یک از مقررات مربوط صلاحیت رسیدگی به آن جرایم را کسب می‌کند. به عنوان مثال «مجرمیت متقابل» برای تمسک به ماده (۸) لازم است، اما اگر صلاحیت دادگاه به استناد ماده (۷) تعیین شود، این شرط لازم نیست. قانون‌گذار در صدر ماده (۸) با قید عبارت «هرگاه شخص غیر ایرانی...» به این مسأله توجه داشته است. نتیجه اینکه، چنانچه تبعه ایران بر علیه فرد ایرانی دیگری در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، صلاحیت دادگاه ایران با توجه به ماده (۷) و شرایط مقرر در آن ماده تعیین و اجرا می‌شود و ماده (۸) در این وضعیت قابل استناد نیست. همچنین اگر جرمی در خارج از کشور واقع شود و با شرایط ماده (۶) مطابقت داشته باشد، صلاحیت ایران مبتنی بر این ماده تعیین و با توجه به شرایط آن اعمال می‌شود.

۳-۳. ارتکاب جرم علیه کشور ایران

وضعیت خاصی که جدای از تابعیت بزه‌دیده برای اعمال ماده (۸) تبیین شده است، مربوط به «ارتکاب جرم علیه کشور ایران» است. ارتکاب جرم علیه کشور ایران با

۱. ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «ماده ۶- به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرایم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.»

۲. ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف - رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب - در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ - طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

ارتکاب جرم علیه تبعه ایران کاملاً متفاوت است. به نحوی که، ارتکاب جرم علیه ایران ارتباطی به «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده» نداشته و باید صلاحیت اعمال قانون ایران در این خصوص را با اصول دیگر تعیین‌کننده صلاحیت از جمله اصل صلاحیت واقعی توجیه کرد.

به نظر می‌رسد ماده (۸) قانون مجازات اسلامی در بردارنده دو اصل است؛ یکی اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده و دیگری «اصل صلاحیت واقعی»؛ زیرا ارتکاب جرم علیه کشور ایران، مشابه همان است که در ماده (۵)^۱ بیان شده است. با این تفاوت که در ماده (۵) مصادیق خاصی از جرایم پیش‌بینی شده است، در حالی که ماده (۸) تمام جرایم علیه کشور ایران را شامل می‌شود. جرایم مقرر در ماده (۵) بارزترین مصادیق جرایم علیه منافع اساسی کشور ایران محسوب می‌شوند. بنابراین سنخیت این بخش از ماده (۸) با ماده (۵) بیشتر است تا با اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده. چه اینکه جرایم مقرر در ماده (۵) در واقع جرایم علیه منافع اساسی کشور است و «جرم علیه کشور ایران» نیز مفهوم عامی است که علاوه بر جرایم مقرر در ماده (۵) دیگر جرایم علیه کشور را در برمی‌گیرد. با توجه به آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که اگر جرایم ارتكابی علیه کشور ایران از مصادیق جرایم مقرر در ماده (۵) باشند، با توجه به خاص بودن حکم این ماده، صلاحیت دادگاه‌های ایران به موجب آن تعیین می‌شود و باید مطابق شرایط آن ماده به جرایم مورد نظر رسیدگی شود، در غیر این صورت یعنی اگر جرم از جمله جرایم علیه کشور ایران محسوب شود ولی از مصادیق مقرر در ماده (۵) نباشد، مبنای تعیین‌کننده صلاحیت ماده (۸) است و شرایط این ماده اعمال می‌شود. از جمله این جرایم می‌توان به سرقت آثار تاریخی و

۱. ماده ۵ - هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند:

الف - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب - جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ - جعل مهر، امضاء حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها

ت - جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها

ث - جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل

فرهنگی ایران، سرقت وجوه یا اموال دولتی و کلاهبرداری بر علیه دولت در خارج از کشور اشاره کرد. مصادیق مشخص دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، ارتکاب جرایم رایانه‌ای علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنماهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه و سایر نهادهای دولتی و عمومی به شرح مقرر در ماده (۲۸) قانون جرایم رایانه‌ای است که به عنوان ماده (۷۵۶) قانون تعزیرات (مجازات اسلامی ۱۳۷۵) قید شده است.^۱

۳-۴. عدم امکان محاکمه غیابی

مسئله دیگری که جهت اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده به شرح مقرر در ماده (۸) قانون مورد بحث قابل توجه است، عدم امکان محاکمه غیابی است. توضیح اینکه شرط اجرای قانون ایران و اعمال صلاحیت دادگاه‌های این کشور «یافت شدن» یا «اعاده شدن» متهم است. بنابراین تا متهم در ایران یافت و یا به ایران اعاده نشود، امکان محاکمه وی فراهم نیست، نتیجه اینکه در این وضعیت رسیدگی غیابی مقدور نمی‌باشد. البته باید توجه داشت که با عنایت به عبارت «یا به ایران اعاده گردد»، تشکیل پرونده و پیگیری استرداد متهم منعی ندارد، اما محاکمه غیابی وی تجویز نشده است. واژه «اعاده گردد» در کنار «یافت شود» به شرح مقرر در ماده (۸) کمی قابل تأمل است. برگشت تبعه به کشور یا ارادی است یا از طریق استرداد انجام می‌شود. اگر فردی که در خارج از کشور مرتکب جرمی شده و به اراده خود به کشور برگردد، وضعیت وی مشمول «یافت شدن» است. بدیهی است برای این وضعیت نیاز به واژه «اعاده گردد» نیست. از طرفی برای وضعیت برگشت غیرارادی نیز در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها اصطلاح «استرداد» معمول و شناخته شده است.

۱. ماده ۷۵۶: علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم بکار رفته است به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق تارنماهای (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.
ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیر ایرانی در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنماهای (وبسایت‌های) مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا موسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرایم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

انتظار بود که قانون‌گذار از واژه حقوقی استرداد استفاده می‌کرد. اثر سوء تعبیر «اعاده گردد» جایی نمود پیدا می‌کند که متهم به صورت غیرارادی و بدون بهره‌گیری از سازوکار استرداد ر بوده و به کشور منتقل شود و یا به صورت قهری مثل فرود اضطراری هواپیما در کشور یافت شود. وضعیت اخیر مشمول «یافت شدن» می‌شود و نیاز به وضع عبارت جدید برای پوشش این وضعیت نیست. در مورد وضعیت نخست یعنی انتقال قهری، با توجه به غیرقانونی بودن این اقدام نمی‌توان برای دادگاه کشور محل انتقال قائل به صلاحیت قانونی بود. بنابراین بهتر بود که در این ماده به قید اصطلاح حقوقی «مسترد شود» اقدام می‌شد.

۳-۵. اصل منع محاکمه و مجازات مجدد

این اصل یکی از اصول پذیرفته‌شده حقوق کیفری بین‌المللی است که به موجب آن متهم نباید بیش از یک بار برای ارتکاب یک عمل مجرمانه تحت تعقیب قرار گیرد و محاکمه یا مجازات شود. بند (الف) ماده (۸) مقرر داشته است: «متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.» به موجب این بند در جرایم تعزیری «قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد» پذیرفته شده است. بنابراین اگر متهم در محل وقوع جرم محاکمه شده، وفق شرایط مقرر در قانون، تعقیب مجدد وی در دادگاه‌های ایران فاقد وجاهت قانونی است. در صورتی که در ایران تعقیب شروع شده باشد، به استناد بند (۵) ماده (۶) قانون آیین دادرسی در امور کیفری و به اعتبار امر مختومه، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

چند نکته در این خصوص قابل ذکر است. نخست اینکه پذیرفتن قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، به موجب بند (الف) ماده (۸) تنها در مورد جرایم تعزیری پذیرفته شده است، لذا جرایم موجب حد، قصاص و دیه از شمول این مقررات خارج است. دوم، با عنایت به تبصره (۲) ماده (۱۱۵) قانون مجازات اسلامی^۱ ۱۳۹۲، «تعزیرات منصوص شرعی» مشمول مقررات این بند نمی‌شود. اما نکته دوم این است که تعزیرات منصوص شرعی چیست. به موجب نظریه شماره ۱۳۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳ ردیف ۹۲-۱/۱۸۶-۹۴۷ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه «تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل معین نوع و مقدار کیفر مشخص شده است، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل دیگر به

۱. تبصره (۲) ماده (۱۱۵): اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده است ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود...». با عنایت به این معیار تعداد تعزیرات منصوص شرعی بسیار اندک است مثل همبستر شدن دو جنس موافق یا مخالف بدون ضرورت در زیر یک پوشش. نکته سوم، عدم توجه قانون‌گذار به وضعیتی است که جرم ارتكابی در کشور محل وقوع جرم تحت تعقیب و رسیدگی است. آیا در این وضعیت می‌توان او را در ایران نیز تحت تعقیب قرار داد؟ به موجب بند (الف) ماده (۸) اگر متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه شده باشد و یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا شده باشد، این وضعیت مانع رسیدگی مجدد در ایران است. اما اگر پرونده در جریان رسیدگی است و هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده باشد، در ماده فوق به آن توجه نشده است. یعنی از مواردی قید نشده که مانع رسیدگی در دادگاه‌های ایران باشد. با مراجعه به رویه مسلم دادگاه‌ها و با تفسیر به نفع متهم و تمسک به اطلاق قاعده منع محاکمه مجدد، به نظر می‌رسد که این وضعیت مانع از تعقیب و رسیدگی مجدد در ایران است، زیرا شخص را نمی‌توان هم‌زمان برای ارتكاب یک عمل در دو مرجع تحت تعقیب قرار داد. نکته دیگر که در ماده (۸) به آن توجه نشده، رسیدگی و محاکمه در دادگاه‌های صالح خارج از محل وقوع جرم است. توضیح اینکه به موجب بند مورد بحث، اعتبار امر مختومه منحصر شده است به اینکه متهم در «محل وقوع جرم» محاکمه و تبرئه شده باشد. در صورتی که ممکن است متهم در دادگاه کشورهای دیگر یعنی کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم محاکمه شده باشد. این کشور ممکن است نه به اعتبار صلاحیت سرزمینی بلکه به اعتبار صلاحیت جهانی یا صلاحیت واقعی امکان رسیدگی به موضوع را داشته باشد. علاوه بر این ممکن است جرم انتسابی از جمله جنایات مهم بین‌المللی نیز محسوب شود و قابل رسیدگی در دادگاه‌های بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی^۱ باشد و در این دیوان رسیدگی صورت گرفته باشد. این وضعیت نیز در ماده (۸) با سکوت مواجه است. بنظر می‌رسد علی‌رغم عدم تصریح به این وضعیت‌ها در ماده (۸) «قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد» در این حالت نیز مانع از تعقیب مجدد مرتکب جرایم تعزیری در دادگاه‌های ایران باشد.

1. International Criminal Court (ICC)

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ در شهر رم به تصویب یکصد و بیست کشور رسید تا پس از اینکه شصت کشور این سند را بپذیرند، لازم‌الاجرا شود. در ابتدای جولای ۲۰۰۲ این اساسنامه لازم‌الاجراء شد و دیوان مزبور در لاهه هلند تشکیل شد. این دیوان صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جنایات بین‌المللی یعنی نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی و تجاوز ارضی را دارا است. جمهوری اسلامی ایران اساسنامه را امضاء نموده اما تا کنون آن را تصویب نکرده است (جهت اطلاع بیشتر در مورد این دیوان ر.ک: طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۱).

۳-۶. ماهیت جرم ارتكابی

همان‌طور که پیش از این بررسی شد، در قانون بسیاری از کشورها اعمال صلاحیت به اعتبار اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده در مورد جرایم کم‌اهمیت پذیرفته نشده است؛ زیرا جرم ارتكابی علیه تبعه باید از جرایم مهم باشد که کشور متبوع هزینه تعقیب آن را تقبل کند. بنابراین بهتر بود که جرایم درجه هفت و هشت از شمول مقررات ماده (۸) قانون مجازات اسلامی استثناء می‌شد. با کمال تعجب کم‌اهمیت‌ترین جرم تعزیری نیز مشمول مقررات ماده (۸) است.

۳-۷. مجرمیت متقابل

به موجب بند (ب) ماده (۸) قانون مجازات اسلامی، اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران مشروط به این است که «رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.» این شرط به شرط «مجرمیت متقابل» معروف است. بنابراین دادگاه‌های ایران زمانی می‌توانند جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو ایران علیه اتباع ایرانی یا کشور ایران را تعقیب نمایند که رفتار مجرمانه انتسابی به متهم، در کشور محل وقوع جرم نیز جرم باشد. نکته قابل توجه اینکه نیازی نیست که رفتار مجرمانه در هر دو کشور تحت عنوان مجرمانه واحد مثل «سرقت» یا «کلاهبرداری» جرم‌انگاری شده باشد. بلکه ممکن است رفتار مورد بحث در ایران دارای عنوان مجرمانه خاص و در کشور محل وقوع به عنوان مجرمانه دیگری مشمول مجازات شود. این امر مانع اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران نیست. بنابراین صرف جرم بودن عمل شرط است نه وحدت عنوان مجرمانه.

۳-۸. اجرا نشدن تمام یا قسمتی از مجازات

پیش از این گفته شد که یکی از شرایطی که در ماده (۸) پیش‌بینی شده، بند (الف) آن است. در این بند به عنوان یکی از شرایط اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران مقرر شده است: «متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.» در این مبحث قسمت اخیر بند (الف) مورد توجه است. از مفهوم مخالف عبارت مزبور این نتیجه حاصل می‌شود که اگر فرد غیرایرانی در خارج از کشور مرتکب جرم علیه اتباع ایران شود و در دادگاه کشور خارجی تحت تعقیب قرار گیرد و محکوم شود، چنانچه تمام یا بخشی از مجازات در مورد وی اجرا نشده باشد و در ایران یافت گردد، دادگاه ایران حق دارد که او را مجدداً از ابتدا تعقیب، محاکمه و مجازات کند. در صورتی که اصل منع محاکمه و مجازات مجدد از

دو بخش یعنی «ممنوعیت محاکمه مجدد» و «ممنوعیت اعمال مجازات مجدد» تشکیل می‌شود. این اصل همان‌طور که مانع مجازات مجدد شخص است، مانع محاکمه مجدد او نیز می‌باشد، زیرا وحشت ناشی از تعقیب و محاکمه و محدودیت‌ها و سختی‌های آن کمتر از مجازات نیست. بر این اساس گفته شده است که یک نفر نباید برای ارتکاب یک رفتار دو بار محاکمه شود. بنابراین در این وضعیت دادگاه ایرانی تنها باید نسبت به اجرای آن بخش از مجازات که اجرا نشده است، اعم از اینکه کل یا بعضی از آن باشد، اقدام کند و مجوزی برای محاکمه مجدد وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

عدم پذیرش اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده، یک خلأ جدی در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد که نتیجه آن بی‌توجهی و عدم حمایت از اتباع بود. پذیرش این اصل در قانون مجازات اسلامی (۹۲) گام مؤثری در حمایت از اتباع و همچنین همسو شدن نظام حقوقی کشورمان با قواعد پذیرفته‌شده در دیگر نظام‌های حقوقی جهان محسوب می‌شود. این اقدام نه تنها با موازین فقهی و قانون اساسی مغایرت ندارد، بلکه با اهداف کلی و ویژگی عام‌الشمول بودن نظام حقوق اسلامی و روح و اهداف قانون اساسی دایر بر رعایت حقوق ملت نیز هم‌جهت است. اما اجرای اصل مورد بحث با چالش‌هایی مواجه است که آزمایشی بودن قانون مجازات اسلامی و ضرورت بازنگری در آن فرصت مناسبی برای توجه به این چالش‌ها محسوب می‌شود. با بررسی‌های به عمل آمده در این جستار می‌توان چالش‌های مطرح و پیشنهاد حل آنها را این‌گونه ارائه نمود:

- ۱- صعوبت و آثار و پیامدهای منفی اجرای اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده برای کشور، تمسک به این اصل در مورد جرایم کم‌اهمیت را توجیه نمی‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود جرایم درجه (۷) و (۸) از شمول آن مستثنی شوند.
- ۲- حمایت از «جرایم علیه کشور ایران» مبتنی بر اصل صلاحیت حمایتی یا واقعی قابل توجیه است و قرابت کمتری با اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزده‌دیده دارد. لذا عبارت «جرایم علیه کشور ایران» باید به ماده (۵) قانون مجازات اسلامی منتقل شود و با شرایط خاص صلاحیت دادگاه ایران در مورد جرایم علیه کشور در کنار جرایم علیه منافع اساسی کشور به شرح مقرر در آن ماده پیش‌بینی شود.
- ۳- با توجه به اینکه در یک تفسیر ناصواب امکان توسعه واژه «اعاده شود» به شیوه‌های نامتعارف مثل انتقال قهری و غیرقانونی یک متهم به کشور وجود دارد و این عمل غیرمتعارف سبب اخلال در روابط دولت‌ها می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود از اصطلاح متعارف حقوق بین‌الملل یعنی «مسترد شدن» استفاده شود.
- ۴- اختصاص رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد به محاکمه کشور محل وقوع جرم به شرح مقرر در بند (الف) ماده (۸) فاقد توجیه حقوقی است، زیرا بین دادگاه محل وقوع جرم و دادگاه دیگر کشورهایی که به

موجب اصول پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی متعارف دنیا دارای صلاحیت هستند، هیچ تفاوتی وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود عبارت «دادگاه محل وقوع جرم» به «دادگاه صلاحیت‌دار خارجی» تبدیل شود.

۵- اصل منع محاکمه و مجازات مجدد به دو بخش یعنی منع محاکمه و منع اعمال مجازات تقسیم شده که نتیجه آن ممنوعیت تعقیب و محاکمه دوباره شخص برای ارتکاب یک رفتار، همچنین ممنوعیت مجازات مجدد وی می‌باشد. همان‌طور که اعمال مجازات مجدد خلاف موازین حقوقی است تعقیب و محاکمه مجدد نیز از تضمین ممنوعیت برخوردار است. لذا اگر شخص در خارج از کشور محاکمه و محکوم شده اما تمام یا بخشی از مجازات در مورد او اجرا نشده باشد، دادگاه ایران صرفاً باید نسبت به آن بخش از مجازات که اجراء نشده اقدام کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود متن بند (الف) ماده (۸) اصلاح و این عبارت جایگزین شود. «چنانچه مرتکب جرم موضوع این ماده در خارج از کشور محاکمه شده باشد و مجازات کلاً یا بعضاً در مورد او اجراء نشده باشد و در ایران یافت شود (یا مسترد شود)، تنها نسبت به اجراء آن بخش از مجازات که اجرا نشده است، اقدام می‌شود.»

منابع

- آقای جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد نخست، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- _____، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، نامه مفید، شماره ۳۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.
- _____، حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- تدین، عباس، ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- حجاریان، محمدحسن، ترجمه قانون جزای جمهوری خلق چین، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۲.
- خالقی، علی، «حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲.
- دلبروک، جوست، حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
- دون دیو دو وابر، رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری جزای فرانسه، ترجمه علی آزمایش، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- رضایی‌نژاد، ایرج، «حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها، تحلیلی بر پایه اسناد بین‌المللی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۳.
- ضیایی، سیدياسر، «مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین‌الملل عمومی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و پنجم، شماره ۷۶، زمستان ۱۳۹۰.
- طهماسبی، جواد، «صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»، انتشارات جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (بخش حقوق جزای عمومی)، جلد دوم، ترجمه عباس شیری، نشر میزان، ۱۳۷۳.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد دوم، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- گرجی، ابوالقاسم، حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

-
- گودرزی، محمدرضا؛ و لیلا مقدادی، ترجمه قانون مجازات فرانسه، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۶.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی - کلیات حقوق جزا، جلد اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.

- Fritz, Eric & Omer Tene, “Article 113-7 of the French Penal Code: The Passive Personality Principle”, Columbia Journal Of Transnational Law, vol. 41, 2003.
- Geoff, Gilbert, “Crime Sans Frontiers, Jurisdictional Problems in English Law”, The British Yearbook of International Law, vol. 63, issue 1, 1992.
- Harvard Research Project No. 935:478; Available at: www.aals.org.
- Mccarthy, John G., “The passive Personality Principle and Its Use in Combatting International Terrorism”, Fordham International Law Journal, vol. 13, Issue 3, 1989.
- Waston, Geoffry, “The Passive Personality Principle”, Texas International Law Journal, vol. 28, issue1, 1993.